

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال نهم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۹۷، صفحات ۹۳-۱۲۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۰۵/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۰۹

بررسی تأثیر تحولات اجتماعی بر تن‌پوش صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵ ه.ق.) در آینه نگاره‌ها

سمیرا سیف‌علی^۱

اصغر فهیمی‌فر^۲

چکیده

تن‌پوش افراد در دوره صفوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، این اهمیت از آن جهت است که عصر صفوی در تاریخ ایران پس از اسلام به لحاظ تحولات مهم سیاسی- اجتماعی دوره ویژه‌ای محسوب می‌شود. کشور ایران در این دوره در تمام زمینه‌های سیاسی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و هنری دستخوش تحولاتی شد. به‌ویژه آن که هم‌زمانی این تحولات، با گسترش حضور اروپاییان در صحنه‌های مختلف اجتماع ایران بر اهمیت توجه به تأثیر تحولات این دوره می‌افزاید. تن‌پوش صفویان نیز، به‌عنوان بخشی از فرهنگ جامعه از تأثیر این تحولات برکنار نماند و می‌توان نشانه‌های تحول تن‌پوش را در نگاره‌های آن دوره به‌وضوح مشاهده نمود. در این پژوهش سعی بر آن است، با مطالعه نگاره‌های به‌جامانده از دوره صفوی، آن دسته از تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که در تحول تن‌پوش در این دوره نقش داشته‌اند، مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد؛ در این دوره رشد اقتصادی و پیشرفت صنایع نساجی تأثیر مستقیم بر بافته‌ها و تن‌پوش جامعه دارد و لباس از ظرافت، زیبایی و تنوع قابل توجهی برخوردار می‌شود. همچنین در نتیجه افزایش ارتباط با اروپا و مبادلات فرهنگی که صورت گرفت، به‌تدریج عناصری از پوشاک غربی وارد فرهنگ پوشش ایرانی شد. در این تحقیق از روش توصیفی- تحلیلی و برای گردآوری مطالب از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: تحولات اجتماعی، تحول تن‌پوش، دوره صفوی، تن‌پوش، نگاره‌های دوره صفوی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) samira.saef@gmail.com

Fahimifar@modares.ac.ir

۲- دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

The Impact of Social Change on Safavid Clothing (907-1135AD) Via the Reflection of Miniatures

S. Seifali¹

A. Fahimifar²

Abstract

People cloth had particular importance in the Safavid period. This importance came from the significant socio-political developments of the history of Iran after Islam in the Safavid era. In this period Iran was changed in all aspects of political, religious, social, economic, and art. Especially the importance of paying attention to impact of developments in this period, increased by the synchronicity of these developments with the spread of European presence in various scene of Iran social. As part of culture of the society Safavid clothing were affected by these developments and it can be seen clearly in the paintings of that period as a sign of the evolution of clothing. This study has been tried, to be examined those political, cultural, and social development that had effect on clothing in the Safavid period by studying the paintings that left from that period. As a results of the study indicates that in this period, economic growth and textile industry development has a direct effect on woven and clothing of the society and this causes considerable beauty and elegance in a cloth and as a result of increase ties with Europe and cultural exchanges gradually caused revealing some elements of western clothing to the Iranian cloth. The present study is a descriptive-analytical study and the data was collected in a desk study.

Keywords: Social change, Clothing evolution Safavid Clothing, Miniatures.

1 . M.A. Student in Art Studies , Faculty of Art, Tarbiat Modares University
samira.saef@gmail.com

2 . Associate Professor, Faculty of Art, Tarbiat Modares University Fahimifar@modares.ac.ir

مقدمه

صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵ ه.ق)، در میان دولت‌های حاکم بر ایران در دوره اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارند. احیای دوباره دولت و هویت ملی ایران، رسمیت بخشیدن به مذهب شیعه، تشکیل دولت متمرکز و قدرتمند، رشد اقتصادی، رشد صنایع نساجی و برقراری ارتباط با اروپا از دلایل این اهمیت محسوب می‌شود. در این دوره پیشرفت و تحول بسیار در صنعت و هنر به وجود آمد. در نتیجه این تحولات فرهنگی و اجتماعی، تن پوش نیز به‌عنوان یکی از نمودهای اصلی فرهنگ دستخوش تغییرات قابل توجهی شد که می‌توان آثار آن را در نگاره‌های به‌جامانده از این دوره مشاهده کرد. در دوره صفویه به دلیل قدرت و ثروتی که در ایران متمرکز بود، لباس‌ها نیز زیباتر و فاخرتر شدند و با افزایش ارتباط با اروپایی‌ها و مبادلات فرهنگی و هنری میان این دو تمدن، سبک جدیدی به وجود آمد. سلیقه جدید شیوه لباس پوشیدن را تعیین می‌کرد و تن پوش‌های ایرانی به‌آرامی دچار تغییر شد. کلاه‌های فرنگی و سر کج، چکمه‌های بلند چرمی، لباس‌های کوتاه، پوشیدن شلوار زیر زانوی اروپایی نتیجه نفوذ فرهنگ پوشاک اروپایی در ایران بود (خلج امیر حسینی، ۱۳۹۱: ۸۰). از این رو می‌توان، میزان تأثیرگذاری اروپاییان در دوره حاکمیت صفویان و تحولات اجتماعی در این دوره بر تن پوش افراد را به‌عنوان موضوع مهمی در مطالعات تاریخی مورد توجه قرار داد. اگرچه برخی مقالات و کتب پیرامون تن پوش ایرانیان در دوره صفوی نگاشته شده است، اما در تحقیقات صورت گرفته به بررسی تأثیر تحولات اجتماعی در پوشاک مردم کمتر پرداخته شده است؛ ضمن آنکه علل نوع پوشش و میزان تأثیرپذیری و ارتباط آن با شرایط جامعه و دولت صفوی مورد توجه قرار نگرفته است و پژوهش‌های موجود عمدتاً جنبه توصیفی دارند. از این رو، در این پژوهش سعی شده است با روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا در نگاهی اجمالی آن دسته از تحولات دوره صفوی، ارائه شود که بیشترین تأثیر را، بر تغییر تن پوش داشته‌اند. در ادامه، پس از ذکر توضیحاتی در مورد نقش نگارگری در شناسایی تن پوش در دوران صفوی، وضعیت تن پوش در اوایل دوران صفوی و روند تحولات داخلی آن بیان می‌شود. سپس تأثیر روابط اروپا بر تن پوش این دوره، مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهدافی که در این مقاله مدنظر است:

۱- بررسی تأثیر تحولات اجتماعی بر تن‌پوش در دوره صفوی. ۲- شناخت نوع تغییرات به وجود آمده در اجزای تن‌پوش دوره صفوی.

نگاهی به تحولات مهم دوره صفوی

با استقرار حکومت صفویان و اقدامات سیاسی شاهان صفوی نظیر رسمی ساختن مذهب شیعه، به‌عنوان مذهب رسمی کشور، تشکیل حکومت مرکزی و حذف ساختار ملوک‌الطوایفی، جامعه ایرانی همگام با تحولات اروپا، تحولات بنیادینی را در سیاست، اقتصاد، فرهنگ و هنر تجربه کرد (تقوی و موسوی، ۱۳۸۶: ۸۲). از جمله این تحولات می‌توان به رشد و رونق تجارت داخلی و خارجی، رشد صنایع نساجی، انحصار تجارت ابریشم، توجه شاه‌عباس اول به هنرهای کاربردی و همچنین گسترش روابط با اروپا اشاره کرد. در بررسی حکومت صفویان، مذهب و نیروهای وابسته به آن، نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. ظهور شاه اسماعیل که از همان ابتدا رهبری سیاسی و مذهبی از قشر صوفیان بود و از سوی پیروانش به او لقب ولی‌الله داده شده بود، نقطه آغاز تحول مذهبی عمیقی در جامعه ایران بود و می‌توان گفت در واقع، حکومتی که شاه اسماعیل اول در ۹۰۷ هجری تأسیس کرد، حکومتی مذهبی بر پایه شاخص‌های دینی موجود در جامعه بود. گستره تحولات اجتماعی و اقتصادی این دوران نیز به‌اندازه نفوذ مذهب، در امور حکومتی قابل تأمل است و بخشی از این تحولات هم‌زمان، هم علت و هم معلول روابط گسترده اروپاییان با ایران در زمان شاه‌عباس اول بود (کریمیان و جابز، ۱۳۸۶: ۶۷). در طی دو قرن و نیم سلطنت شاهان صفوی، رفاه و آسایشی که ایرانیان مدت طولانی از آن بی‌بهره بودند، به کشور بازگشت و بی‌شک هر زمان که در هنر درخشش مشاهده می‌شود، باید به دنبال آرامش سیاسی و اقتصادی در کشور بود. دوران صفویه در سایه این آرامش توانست از تولید آثار ارزنده در سطح جهانی حمایت کند. از این رو بهترین آثار هنری در این دوره مشاهده می‌شود (کیبیری و بروجنی، ۱۳۹۰: ۹۰). در بیشتر متون دوره صفوی اغلب به این نکته اشاره شده است که در زمان شاه‌عباس اول حکومت صفویه به اوج عظمت و اعتلای خود رسید و به‌طور کلی او سبب تحول فرهنگ عامه شد (غیبی، ۱۳۸۵: ۳۹۴). با انتخاب اصفهان به‌عنوان پایتخت و انجام پروژه‌های هنری وسیع، دو مقوله سنت و تجدد شکل می‌گیرد و شهر از نظر طراحی

شهری به دو بخش کهنه و جدید تقسیم می‌شود، این دو بخش کهنه و جدید ارزش‌های انسانی و اخلاقی جدیدی را تفسیر می‌کند که از این زمان به بعد در پایتخت صفویان شکل می‌گیرد (آژند، ۱۳۸۵: ۳۵۱). در دوره شاه‌عباس اول، تجارت داخلی و خارجی ایران به‌ویژه در زمینه تولید ابریشم و صنایع وابسته، نظیر منسوجات ابریشمی، بسیار رشد کرد. همچنین تولید مواد خام نساجی و صنعت نساجی در دوره صفویه، از خودکفایی عبور کرد و ایران در زمره بزرگ‌ترین صادرکنندگان قرار گرفت (شریعت پناهی، ۱۳۷۲: ۳۳). همچنین قابل ذکر است که رونق اقتصادی ایران در زمان شاه‌عباس اول، تقاضای داخلی کالاها را افزایش داد و بدین ترتیب تحول قابل‌توجهی در زندگی طبقات شهری رخ داد. شاه‌عباس اول، برای گسترش و رشد هر چه بیشتر تجارت، تعدادی از مؤسسات سلطنتی را با عنوان بیوتات، راه‌اندازی کرد که برخی از آن‌ها ابریشم و قالی و منسوجات تولید می‌کردند (آژند، ۱۳۸۵: ۱۲۹). در نظر او نگارگری و نقاشی می‌توانستند به صورت هنرهای کاربردی و مفید درآیند و در هنرهای دیگر به کار گرفته شوند.

به‌طور کلی به نظر می‌رسد شاه‌عباس اول به هنرهای ضروری کشور (معماری و شهرسازی) و هنرهای سودمند اقتصادی (تولید سفالینه و پارچه‌ها و فرش‌های قابل صدور)، نسبت به تهیه و تدوین کتاب‌های گران‌بها که جنبه بسیار خصوصی‌تر و شخصی‌تر داشت، توجه بیشتری نشان می‌داد (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۲۷). از این‌رو در میان بیوتات سلطنتی، کارخانه‌ای خاص به نقاش‌خانه اختصاص داد، تا نقاشان و طراحان دربار، نقوش و تصاویری برای سایر تولیدات هنری نظیر سفالینه‌ها، پارچه و قالی فراهم کنند (آژند، ۱۳۸۵: ۳۵). بسیاری از متون، این دوره را عصر طلایی صنعت - هنر پارچه‌بافی نامیده‌اند. در این زمان انواع پارچه‌های ابریشم، مخمل، زری، ترمه و همچنین قلمکارسازی و انواع دوخته‌دوزی بر روی پارچه، در کارگاه‌های مختلف تولید می‌شد (روح فر، ۱۳۷۸: ۷۳). پارچه‌بافی در این دوران چنان رونق می‌گیرد و پیشرفت می‌کند که به روایت مورخین و سیاحانی که در دوره صفوی به ایران سفر کرده‌اند، دوره صفویه درخشان‌ترین دوره صنعت پارچه‌بافی از آغاز تاریخ ایران تا آن عصر بوده است (کبیری و بروجنی، ۱۳۹۰: ۹۰).

در دوره صفوی با توجه به امنیت کشور، رفت‌وآمد اروپاییانی که به‌عنوان بازرگان، سیاح،

مبلغ مذهبی، سفیر و غیره به ایران می‌آمدند بسیار گسترش پیدا کرد و از اوایل سده (۱۷ م/۱۱ هـ) ارتباط سیاسی و تجاری وسیعی بین ایران و کشورهای دیگر برقرار شد (کریمیان و جایز، ۱۳۸۶: ۶۷). با ورود گرجیان، ارمنیان و اروپایی‌ها به پایتخت، از هر فرقه و دسته، خواه سیاسی و تجاری و خواه مذهبی، شهر چهره جدیدی پیدا می‌کند و این چهره جدید با تغییر سنت‌های پیشین در تمام زمینه‌ها، آن‌ها را با خود هم‌زمان می‌کند بدین ترتیب فضای جدید زمینه‌ساز تحولات و دگرگونی‌های هنر در دوره صفویان می‌شود (آژند، ۱۳۸۵: ۳۵۱). اسپانیایی‌ها، ایتالیایی‌ها، آلمانی‌ها، هلندی‌ها و انگلیسی‌ها از جمله اروپاییانی بودند که به ایران سفر می‌کردند و می‌توان بازسازی ارتش ایران را اولین دریچه ورود اروپایی‌ها، به‌ویژه فرهنگ و لباس آن‌ها به جامعه ایرانی دانست. (شریعت پناهی، ۱۳۷۲: ۳۰).

نگارگری و توصیف تن‌پوش‌ها

آثاری که نگارگران دوره صفوی از خود به یادگار گذاشته‌اند، تاریخ مصوری برای آیندگان و ابزار دقیقی برای پژوهش‌گران در زمینه شناخت این دوران است. در نقاشی‌های دوره صفویه شکوه و عظمت این عصر و ابهت و نحوه زندگی درباری به چشم می‌خورد. افراد در این تصاویر همه با پوشش‌های فاخر و زیبا ترسیم شده‌اند (حقیقت، ۱۳۶۹: ۴۴۵). هنرمند نگارگر با پرداختن به جزئیات نوع لباس و نقوش آن از جمله ویژگی‌ها به شناخت بخشی از تاریخ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن زمان کمک کرده است. در اوایل دوره صفوی، استاد بهزاد پس از آنکه از هرات به تبریز آمد با منسوخ کردن مکتب بغداد و تبریز که تا این زمان متداول بود سبکی نو در نقاشی پدید آورد (همان، ۱۳۴۲). تحولی را که او در ایجاد تصویر پیکره‌های پرتحرک به وجود آورد، تا حد زیادی در بررسی پارچه و لباس صفویان کمک کرده است (فضل وزیری، ۱۳۹۰: ۱۱۴). پس از انتقال پایتخت به قزوین و سپس اصفهان در کارگاه‌های شاه‌عباس اول، شاهد ظهور مکتب اصفهان هستیم که پرورش‌دهنده نقاش برجسته‌ای مانند، رضا عباسی است. رضا عباسی نیز به‌اندازه بهزاد در تحول نگارگری این دوره نقش به‌سزایی داشت که از جمله می‌توان به توجه بیشتر به نقش‌مایه‌های انسانی و به‌عبارت‌دیگر فردگرایی آشکار در آثار او اشاره کرد (هدایتی و شایسته فر، ۱۳۸۹: ۵۸). نکته قابل‌توجه این است، که رضا عباسی با به تصویر درآوردن

پوشش سر و عمامه و کلاه زمان خود، در جهت بررسی تاریخ لباس بسیار موثر بوده است (فضل وزیری، ۱۳۹۰: ۱۱۶). از سوی دیگر سبک نگارگری صفویان تقریباً بر بیشتر فعالیت‌های هنری تأثیر داشت و هنرمندان نگارگر عصر صفوی، بر طراحی پارچه نیز مسلط شدند. نقوشی که بر روی پارچه‌های زربفت و ابریشمی این دوره دیده می‌شود به وضوح از نگارگری‌ها برگرفته شده‌اند (فضل وزیری، ۱۳۹۰: ۱۱۷). (تصویر ۱ و ۲).



تصویر ۱: راست، مخمل با طراحی نگاره آب‌تنی شیرین، قرن ۱۰ (ه.ق)، موزه متروپلیتن

تصویر ۲: چپ، آب‌تنی شیرین، هنرمند (?)، خمسه نظامی، قرن ۱۰ (ه.ق)، گالری هنری فریه

بررسی تحولات تن پوش

در دوره صفویه همواره تحت تأثیر عواملی از خارج یا داخل جامعه ایرانی، تحولاتی شکل گرفته و سبب ایجاد تغییراتی در تن پوش شده است، اگرچه بررسی تحولات مورد اشاره، فراتر از حد این نوشتار است، اما در یک نگاه کلی به چند دسته قابل تقسیم‌اند (جدول ۱).

جدول ۱: نگاهی اجمالی به تحولات تن‌پوش به موازات تحولات دوران صفوی

نوع تحولات	شاخص تحولات	نمود تحولات در تن‌پوش
مذهبی	تثبیت مذهب شیعه به‌عنوان مذهب رسمی کشور	به وجود آمدن کلاه قزلباش. استفاده از چادر و روبنده و مقنعه توسط زنان.
اقتصادی	رشد اقتصادی و پیشرفت صنایع نساجی	تولید پارچه‌های مخمل و زربفت. استفاده از نقوش متنوع برگرفته از نگارگری در پارچه‌ها.
سیاسی	افزایش ارتباط با اروپا	استفاده از عناصر اروپایی مانند کلاه و شلوار در تن‌پوش.

۱- رسمی شدن مذهب شیعه و نمود آن در سرپوش

تا قبل از دوره حکومت صفویان و به‌خصوص دوره شاه‌عباس اول تغییرات قابل توجهی در وضعیت و ظاهر لباس‌های سنتی ایرانی دیده نمی‌شود و در شکل اصلی لباس زنان و مردان تفاوت زیادی وجود ندارد (خلج امیر حسینی، ۱۳۹۱: ۷۹). پوپ (۱۳۸۷) معتقد است: در نگاه اول تشخیص نشانه‌هایی از تغییرات جدید دشوار است زیرا شاه اسماعیل اول به حدی درگیر مشکلات سیاسی بود که توجه چندانی به لباس نداشت و هرات، سبک روز لباس را تعیین می‌کرد. از این‌رو در آغاز این دوره جدا کردن لباس‌های اواخر تیموری و اوایل صفوی به‌جز تاج کلاه صفوی تقریباً ناممکن است (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۵۸۷).

پیدایش کلاهی به نام تاج از تحولاتی است که در پوشش سر این دوره به وجود آمده و این دوره را از دوره‌های پیش و پس از خود متمایز می‌سازد. این کلاه از ابداعات حیدر، پدر شاه اسماعیل بود و به نیت دوازده امام شیعیان دوازده ترک داشت و نشان بیعت و وفاداری صاحبان آن‌ها نسبت به امامان بود، نوک کلاه شبیه میله‌ای به رنگ قرمز بود که از وسط کلاه نمایان می‌شد. در نگاره‌های اوایل این دوره فقط به رنگ قرمز دیده می‌شود که نمادی از رنگ خون و اشتیاق به زنده نگه‌داشتن قیام امام حسین (ع) است. این نوع کلاه پس از مرگ شاه‌طهماسب در سال‌های (۹۸۴-۹۸۲ ه.ق) تقریباً از میان رفت. حذف این کلاه صفویان را می‌توان ناشی از کاهش جایگاه قزلباشان دانست، که وجود آن‌ها پس از تثبیت دولت صفوی نه‌تنها ضروری به نظر نمی‌رسید، مزاحم نیز بود و می‌توان گفت این پوشش سر، قزلباش و طرفداران شاه صفوی و به‌طور کلی حکومت صفویه را تداعی می‌کند، که

شکل آن از آغاز سلطنت صفویان تا پایان آن به تدریج تکامل یافته است (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۱۰). (تصویر ۳ و ۴)



تصویر ۳: بخشی از یک نگاره شاهنامه شاه طهماسبی، درباریان با کلاه قزلباش، قرن ۱۰ (ه.ق)، مأخذ: شاهکارهای نگارگری ایران.



تصویر ۴: تفرج در طبیعت، شاهزاده صفوی با تاج کلاه قزلباش، هنرمند (?)، منتخبات بوستان، سده دهم (ه.ق)، کاخ گلستان.

این کلاه در دوره بعد گاهی مخروطی شکل و کروی یا بیضی بود و معمولاً با عمامه‌ای پوشانده می‌شد. عمامه شال سفید بلندی بود که به‌گونه‌ای فاخر پیچانده شده بود و به آن، یک نشان پر خروسی مانند بادبزن وصل می‌شد. در اواخر سده دهم هجری، عمامه بلندی متفاوتی داشت، هرچند هنوز بسیار پهن بود و تا اندازه‌ای سفت بسته می‌شد، اما به تدریج پس از سال‌های اولیه قرن بعد، کاملاً شل آویخته شد و با نواری به دو قسمت کاملاً مجزا تقسیم شد و پرها و گل‌های بلندی را داخل آن قرار می‌دادند (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۵۹۰). (تصویر ۵ و ۶)



تصویر ۵: برگ‌گی از یک مرقع که عمامه یا دستار یک جوان دوره صفویه را می‌نمایاند، محمدقاسم، قرن ۱۱ (ه.ق)، کاخ گلستان.



تصویر ۶: محمود و ایاز، محمدعلی، قرن ۱۱ (ه.ق)، موزه رضا عباسی.

سرپوش زنان نیز مانند مردان دستخوش تغییراتی شد؛ در این دوره انواع جدید چادر و مقنعه به وجود آمد؛ یک نوع مانند کیسه در بالا گره می خورد و نوع دیگر همراه با روبنده توری (روبند) بود که به دو طرف پیشانی وصل می شد (یارشاطر، ۱۳۸۲: ۲۰۸). شاردن^۱، جهان گرد فرانسوی می نویسد: «... زنان سر خود را کاملاً می پوشانند و روی آن پارچه ای می اندازند که روی شان هاشان می افتد و از جلو، گردن و گلو و سینه هاشان را می پوشاند و آنگاه که آهنگ بیرون شدن از خانه می کنند با چادر سفید سراسر اندام خود را از سر تا پا می پوشانند و روی شان را چنان زیر نقاب پنهان می دارند که جز مردمک چشمشان چیزی دیده نمی شود.» (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵). (تصویر ۷ و ۸)



تصویر ۷ و ۸: تصاویری از سفرنامه شاردن که چادر زنان را نشان می‌دهد.
(مأخذ: en.wikipedia.com)

همچنین آمده است: «... زنان چهار نوع حجاب دارند که دوتا در خانه و دوتای دیگر در بیرون کاربرد دارد. اول روسری سفیدی که برای زینت تا پشت بدن نیز می‌افتد، دومین پوشش از زیر چانه عبور کرده و سینه را می‌پوشاند. سوم چادری است که تمام بدن را فرا می‌گیرد. چهارم پارچه دستمال ماندی است که صورت را می‌پوشاند و به هنگام تشراف به اماکن متبرکه کاربرد دارد» (فریه، ۱۳۸۴: ۲۴۳).

باید توجه داشت در بیشتر سفرنامه‌ها به پوشش چادر اشاره شده است، البته نوعی مقنعه نیز رایج بود که علاوه بر موها، روی سینه را نیز می‌پوشاند و روی آن به‌عنوان تزیین پر یا جواهری نصب می‌کردند. سربندها نیز عبارت بودند از کلاه زربفت استوانه‌ای بدون لبه و کوچک (قوطی شکل) و نیم تاجی مثلثی شکل با بافت زربفت که با انواع روبنده پوشیده می‌شدند. به‌طور کلی اجزا اصلی پوشاک زنان عادی از هر طبقه، با اختلاف جزئی در جنس پارچه و تزیینات تقریباً یکسان بود (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۲۷). (تصویر ۹ و ۱۰)



تصویر ۹: راست، بخشی از دیوارنگاره کاخ چهل ستون که مقنعه زنان را می‌نماید، اوایل قرن ۱۱ (ه.ق).
تصویر ۱۰: چپ، زنی در حال شمردن با انگشتانش، معین مصور، قرن ۱۱ (ه.ق)، موزه بریتانیا

از آنجاکه در تصاویر به‌جامانده از دوره‌های قبل این نمونه از چادر و مقنعه دیده نمی‌شود، به نظر می‌رسد در این دوره با رسمی شدن مذهب شیعه، زنان مسلمان شیعه به جهت رعایت حجابی که در آیین آنان وجود دارد، هنگام خروج از منزل با چادری بلند و سفید که سراسر بدن را می‌پوشانده از منزل خارج می‌شدند. بنابراین می‌توان مذهب را به‌عنوان عاملی در تفکیک دو نوع پوشش زن در منزل و بیرون از منزل به شمار آورد. باید به این نکته اشاره کرد؛ در نگاره‌هایی که از کاخ‌های این دوره به چشم می‌خورد، زنان آزادانه‌تر تصویر شده‌اند و می‌توان گفت علت شاید آن باشد که تصاویر در داخل ابنیه محفوظ بوده و توسط افراد خاصی که عموماً اهل خانه بودند دیده می‌شده است.

۲- رشد اقتصادی و پیشرفت صنایع نساجی

در دوره صفوی امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاصل از تشکیل دولت قوی و متمرکز، و همچنین حمایت شاهان صفوی به‌ویژه شاه‌طهماسب و شاه‌عباس اول از صنعت گران و هنرمندان، باعث رشد صنعت پارچه‌بافی شد. یارشاطر می‌نویسد: «...به دلیل اهمیت

اقتصادی ابریشم و تولیدات پوشاک در اقتصاد و جوامع ایرانی، تولید منسوجات و پوشاک دربار اصفهان در بازارهای این شهر و مراکز استانی، به کرات در منابع ذکر شده است. «(یارشاطر، ۱۳۸۲: ۲۱۰). نساجان و صباغان ابریشم صنف ویژه‌ای را تشکیل می‌دادند. جماعت زری‌باف، گلابتون دوز، نقده دوز، زر کش، قلاب دوز، بازاری‌دوز، لندره دوز، کلاه دوز، کلیجه دوز، خز دوز، و پوستین‌دوز، گرجی دوز و غیره، در سطح شهر به فعالیت مشغول بودند (آزند، ۱۳۸۵: ۲۴). از این رو در یزد، کاشان، اصفهان و کرمان مراکز مهمی برای پرورش هنرمندان ایجاد شد که در تکامل طراحی پارچه‌های ابریشمی که تار و پود آن از طلا و نقره بوده و همچنین پارچه‌های مخملی این دوران بسیار مؤثر بوده‌اند (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۴۶).

در دوران سلطنت شاه‌عباس اول، پارچه‌های مخملی با طراحی‌های زیبا و پرکار بر زمینه‌ای از اطلس طلایی مد روز بود و به‌طور کلی نساجی ایران به‌ویژه در دوران صفوی به لحاظ کاربرد ابریشم و طلا و نقره در دنیا بی‌نظیر بوده است؛ تعدادی از نمونه‌های مجلل از تافته یا ابریشم نقره بافت و زربافت در مجموعه‌های موزه‌های غرب موجود است. (یارشاطر، ۱۳۸۲: ۲۰۴). (تصویر ۱۱) یک نمونه بسیار زیبا از مخمل‌های ابریشمی این دوره قبا یا جبه‌ای متعلق به نیمه اول قرن یازدهم، موجود در زرادخانه شاهی در استکهلم است. (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۴۶). (تصویر ۱۲)



تصویر ۱۱: راست، مخمل با نقوش سبک رضا عباسی، اواخر سده ۱۱، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن
 تصویر ۱۲: چپ، بالاپوش مخمل با زمینه زربفت، استفاده از نقوش نگارگری در تن پوش، موزه
 زرادخانه سلطنتی استکهلم

در این دوره طرح‌های ماهرانه‌ای از حیوانات و پیکره‌ها برای تزئین منسوجات به کار می‌رفت. طرح بافته‌شده‌ای از تصاویر مردان و زنانی که ردهای چندلایه آن زمان را پوشیده‌اند، نشان دهنده سطح بالای هنر طراحی در کارگاه‌های سلطنتی است که به‌عنوان مدل در اختیار بافندگان منسوجات تصویری قرار می‌گرفت (یار شاطر، ۱۳۸۲: ۱۹۸). (تصویر ۱۳ و ۱۴ و ۱۵)



تصویر ۱۳: شاهزاده ملبس به قبای زربفت، محمد هروی، اواسط قرن ۱۰ (ه.ق)، گالری هنر فریه واشنگتن.



تصویر ۱۴: تصاویر یک آلبوم که نقوش زیبای تن پوش را نشان می‌دهد، اوایل قرن ۱۷، موزه متروپلیتن نیویورک



تصویر ۱۵: تصاویر یک آلبوم که نقوش زیبای تن پوش را نشان می‌دهد، اوایل قرن ۱۷، موزه متروپلیتن نیویورک.

استفاده ماهرانه از بافت‌های پیچیده، ترکیب رنگ‌های مختلف با یکدیگر و نوآوری در طراحی پارچه سبب تولید منسوجات بی‌نظیر شد همچنین تأسیس کارگاه‌های متعدد بافندگی در اصفهان و شهرهای دیگر که در آن‌ها منسوجات و شال‌های ابریشمی بافته می‌شد، میزان تولید پارچه‌های نفیس و گران‌بها را افزایش داد (کبیری و بروجنی، ۱۳۹۰: ۹۰).

با توجه به مطالب اشاره شده به نظر می‌رسد در این دوره تأثیر رشد اقتصادی در تن پوش جامعه صفوی به‌طور آشکار نمایان می‌شود همچنین توسعه صنعت نساجی در این دوره و اهمیت زیباشناختی پارچه در فرهنگ ایران در دوره صفوی منجر به استفاده از پارچه‌های متعدد با رنگ‌های متنوع در ترکیب‌بندی لباس شد و می‌توان ادعا کرد که در هیچ دوره‌ای مردم این‌گونه لباس‌های زیبا، با رنگ‌های خالص و طرح‌های گوناگون را به تن نکرده‌اند. پیش‌از این زمان به‌جز قسمت یقه پارچه لباس‌ها ساده بود.

۳- تأثیر روابط با اروپا بر تحول تن پوش

همان‌طور که در ابتدای این نوشتار اشاره شد، بخش عمده‌ای از تحولات ایران عصر صفوی، در عرصه ارتباط با اروپاییان شکل گرفت. عصر صفویه را باید نقطه آغاز نفوذ فرهنگی اروپایی‌ها در ایران دانست. هر چه از عمر حکومت سلسله صفوی می‌گذشت تلاش اروپایی‌ها برای نفوذ در جامعه و بازار ایران گسترده‌تر و موفق‌تر می‌شد زیرا شاهان صفوی احساس می‌کردند برای تقویت نیروی نظامی خود در مقابل هجوم عثمانی و قبایل دیگر نیازمند فنون، تجهیزات و تجربیات نظامی اروپایی‌ها هستند، بنابراین از آن‌ها می‌خواستند تا به ارتش و نظامیان ایران سر و سامانی بدهند، و اروپایی‌ها هم از این فرصت در جهت رشد کشور خود بهره می‌بردند (شریعت پناهی، ۱۳۷۲: ۴۶). شرکت‌های تجاری اروپایی در زمان شاه‌عباس دوم به عامل عمده‌ای در تاریخ تجاری ایران و حتی قدرت‌های اروپایی تبدیل شده بودند و علاقه شاه‌عباس دوم به هنرهای اروپایی، نظیر نقاشی‌ها و کالاهای نفیس، بر گرمی این ارتباطها اضافه می‌کرد. (آژند، ۱۳۸۵: ۳۵). لازم به ذکر است که اکثر اروپایی‌هایی که به ایران سفر کردند نمایندگان شرکت‌های تجاری و صنعتی اروپایی بودند که بازار ایران را به‌ویژه به لحاظ نساجی و وضعیت لباس مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دادند (شریعت پناهی، ۱۳۷۲: ۵۵). بدین ترتیب خواسته یا ناخواسته فرهنگ و رسوم غرب، به شرق نفوذ کرد و در قرن (۱۷ م / ۱۱ ه.ق) اصفهان با سیمای شکوهمند و جمعیت زیاد و رونق اقتصادی، به مرکز تجمع بازرگانان، جهان‌گردان، سفیران سیاسی، مبلغان مذهبی و هنرمندان خارجی تبدیل شده بود. در این شرایط بود که تن‌پوش ایرانی تأثیرات اروپایی را تجربه کرد. (کریمیان و جایز، ۱۳۸۶: ۶۹).

پس‌ازاین دوران لباس‌های گوناگون غربی رقابت تنگاتنگی را با پوشاک سنتی ایرانیان آغاز کرد. تا جایی که در اواسط حکومت صفویان، قشر مرفه ایرانی به تقلید از فرنگیان لباس‌هایی کوتاه می‌پوشیدند، که تا انتهای کمرشان را پوشش می‌داد و با به تن کردن شلوارهایی بلند برای پاهای خود پوشش می‌ساختند (خلج امیر حسینی، ۱۳۹۱: ۸۰). (تصویر ۱۶ و ۱۷) در نگاره‌های زیر به سهولت تأثیر نفوذ فرهنگ پوشاک اروپایی را می‌توان تشخیص داد.



تصویر ۱۶: راست، جوان در لباس اروپایی، رضا عباسی، قرن ۱۱ (ه.ق).

تصویر ۱۷: چپ، جوان در لباس اروپایی، هنرمند (?)، نیمه قرن ۱۱ (ه.ق)، موزه متروپلیتن.

به طور کلی می‌توان گفت از مهم‌ترین و درعین‌حال پیچیده‌ترین تأثیرات بر دوره شاه‌عباس اول، تأثیر روابط با اروپاست. جهانگردان اروپایی که شاه‌تیماسب آن‌ها را کافر می‌خواند، با شاه‌عباس روابط عالی داشتند و ورود اروپاییان و هنرمندان آن‌ها به ایران هنرهای تصویری ایران را در اواخر دوره صفوی و پس‌از آن دگرگون کرد (کنبی، ۱۳۸۹: ۲۵). نگارگری‌های ایرانی در این دوره، در کنار مجموعه آثار نقاشی محلی و دیوارنگاره‌ها همه منابعی هستند که انواع نوآوری‌ها در سبک پوشاک آن دوره را نشان می‌دهند (یار شاطر، ۱۳۸۲: ۲۰۱). لازم به ذکر است که نمایش ویژگی‌های ظاهری اروپایی‌ها، تنها در نقاشی‌ها باقی نماند، بلکه پیش از آن وارد زندگی ایرانیان شد. و همان لباس اروپایی که در نقاشی‌ها جایگزین لباس ایرانی می‌شد، در دنیای واقعی نیز به تن ایرانیان می‌نشست. (کریمیان و جایز، ۱۳۸۶: ۷۳). کلاه‌های فرنگی و سر کج، چکمه‌های بلند و چرمی، لباس‌های کوتاه و پوشیدن شلوار زیر زانو، نتیجه نفوذ فرهنگ پوشاک غربی در ایران بود. (خلج امیر حسینی، ۱۳۹۱: ۸۰).

در ادامه به شرح مختصری از این تحولات ایجاد شده در تن‌پوش زنان و مردان دوره صفوی پرداخته می‌شود: در نگاره‌های موجود در اوایل دوره صفوی غالباً تصویر مردان را در لباسی جلو بسته که کل بدن را تا مچ پا می‌پوشاند و این پوشش قبا یا خفتان نامیده می‌شد، مشاهده می‌کنیم. قبا جامه‌ای است، که درازای آن تا روی قوزک پا می‌رسید و آستین‌های بلند آن از سرانگشتان می‌گذشت. در بعضی موارد اقتضای ادب چنین بود که در حضور فردی از طبقه بالاتر دست‌ها را بپوشانند. در این تصاویر دو نمونه قبا مشاهده می‌شود: قبای ساده جلو باز و قبایی که به‌طور مورب در زیر بغل باز و بسته می‌شود (تصویر ۱۸ و ۱۹).



تصویر ۱۸: راست، بخشی از نگاره بزم اسکندر، خمسه نظامی، قرن ۱۰ (ه.ق)، موزه متروپولیتن نیویورک.
تصویر ۱۹: چپ، تدبیر کنیزکان رودابه برای دیدار با زال، قرن ۱۰ (ه.ق)، منسوب به میر مصور، شاهنامه شاه‌طهماسبی.

اما در زمان شاه‌عباس اول در آغاز قرن یازدهم هجری، سبک کاملاً جدیدی رایج شد که منشأ اصلی آن اروپا بود. به سبب آنکه در این زمان روابط تجاری بین اروپا و ایران به‌تدریج افزایش یافت، تأثیر این ارتباط در طرز لباس پوشیدن ایرانیان در نگاره‌های این دوره بسیار دیده می‌شود. به‌طور کلی بالاپوش‌ها در اواخر قرن یازدهم ه.ق. به بالاپوش‌هایی که در بالاتنه تنگ و چسبان بود همراه با دامنی کلوش که تا ساق پا می‌رسید، تغییر پیدا کرد. (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۰۳). (تصویر ۲۰)



تصویر ۲۰: تن پوش مردان، قرن ۱۱ (ه.ق)، سفرنامه شاردن، (مأخذ: en.wikipedia.org)

تغییرات مشابهی نیز در تن پوش زنان در این دوره به وجود آمد. در تصاویر ارائه شده از قبای بانوان تغییرات به وجود آمده در این پوشاک قابل مشاهده است. قبای بانوان عهد صفوی نیز در نیمه اول بلند بود، که تا مچ پا می‌رسید و کمرشان را محکم نمی‌بستند. (تصویر ۲۱). ولی در نیمه دوم کمر چین و تا پایین زانو می‌رسید و شبیه به قبای مردان در این دوره بوده است (حکیمیان، ۱۳۸۶: ۹۷). (تصویر ۲۲)



تصویر ۲۱: بخشی از دیوارنگاره کاخ چهل ستون، اوایل قرن ۱۱ (ه.ق).



تصویر ۲۲: تن پوش زنان در تصاویر سفرنامه شاردن، (مأخذ: en.wikipedia.org)

در ادامه این قرن، انواع جدیدی از لباس‌های اصلی در پوشاک مردان به وجود آمد. نوعی نیم‌تنه کوتاه آستین‌دار به تدریج جایگزین جبه بلند شد، تمام سینه را می پوشاند و در دو طرف بسته می شد (یار شاطر، ۱۳۸۲: ۲۰۴-۲۰۳). اما اغلب آن را به صورت آزاد روی شانه می انداختند، که اغلب آستین‌ها به جلو و عقب تاب می خورد (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۵۹۰). (تصویر ۲۳ و ۲۴) به نظر می رسد این نوع تن پوش در تقلید از نوعی شنل اروپایی پوشیده می شده است.



تصویر ۲۳: راست، مرد جوان، محمد یوسف، قرن ۱۱ (ه.ق)، موزه ارمیتاژ

تصویر ۲۴: چپ، مرد جوان، برگی از یک آلبوم، هنرمند (?)، نیمه اول قرن ۱۱ (ه.ق)، موزه هنرهای زیبای بوستون

عمامه نیز مانند اشکال قدیمی دیگر، در دربار شاه‌عباس بزرگ به تدریج از رواج افتاد و جای خود را به کلاه‌های با لبه بسیار پهن و بسیار برجسته با حاشیه‌ای از پوست و کمی رو به بالا داد. این کلاه، جلو، عقب یا روی یک گوش به حالت کج گذاشته می‌شد (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۵۹۰). این کلاه‌ها در میان جوانان نفوذ قابل توجهی داشت، تا اینکه در نقاشی‌های دوره دوم صفوی (مکتب اصفهان) کلاه‌فرنگی بیشتر از سایر کلاه‌ها دیده می‌شود. به‌طور کلی می‌توان کلاه‌فرنگی را نماد و نماینده‌ای از تجدد و جوانی و روحیه‌ای نو پسند تلقی کرد که با اقتدار و نو شدن ایران آن روزگار در زمینه‌های علمی و هنری و سیاسی همراه بوده است (خلج امیر حسینی، ۱۳۹۱: ۸۳). (تصویر ۲۵ و ۲۶)



تصویر ۲۵: جوان در لباس اروپایی، هنرمند (?)، قرن ۱۱ (ه.ق)، موزه بریتانیا



تصویر ۲۶: جوان نشسته در لباس اروپایی با کلاه فرنگی، میر یوسف، قرن ۱۱ (ه.ق)، موزه بریتانیا

همواره از خز برای تهیه رداهای آستردار و نیم‌تنه‌ها و روکش یقه‌های برگشته، استفاده می‌شد. پوست سمور و قاقم از روسیه وارد می‌شد. خز روباه و پوست گوسفند نیز استفاده می‌شد (یار شاطر، ۱۳۸۲: ۲۰۶). در بسیاری از نگاره‌ها، شاه‌عباس اول که در دوره خود نماد نژاد و قومیت ایرانی بود در لباس‌های کمابیش اروپایی نشان داده شده است (خلج امیر حسینی، ۱۳۹۱: ۸۰). (تصویر ۲۷)



تصویر ۲۷: شاه‌عباس و خان عالم، رضا عباسی، قرن ۱۱ ه.ق، کتابخانه عمومی سن پترزبورگ.

جهانگرد فرانسوی، در سال ۱۶۷۳ م، شرح زیر را درباره شکل لباس‌های ایرانیان ارائه داده است، لباس‌های زنان و مردان بسیار شاد است و از پارچه‌های زیبا و به رنگ‌های زنده دوخته شده است. مردها نیم‌تنه‌ای از جنس پارچه اروپایی می‌پوشند که آستر آن برای ثروتمندان از پوست سمور و برای مردم دیگر از پوست گوسفند کشور خودشان و به رنگ خاکستری و مجعد و نرم است (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۵۸۹). شیک پوشان به سبک اروپایی‌ها لباس می‌پوشیدند و زن‌ها در داخل حرم، تن‌پوش‌های تنگ با یقه‌باز و بی‌آستین (دکلته) و چین‌دار که از زیر آستین‌های بلند دیده می‌شد، به تن می‌کردند. (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۲۸).

فضای جهان‌شمول اصفهان در نیمه قرن ۱۷ م. به‌وضوح در پوشاک نمایان می‌شد. برخی بالاپوش‌های مردانه به سبک گرجی دوخته می‌شد که در جلو باز بود، همراه با دگمه‌ها و حلقه‌هایی بر آن، کفش‌های جدید به سبک اروپایی و گرجی در بازار ساخته می‌شد و شلوارها، رداها و جوراب‌ها از پارچه‌های ظریف انگلیسی دوخته می‌شد. حتی صنف خاصی از خیاطان و فروشندگان "پارچه لندن" نیز وجود داشت (یار شاطر، ۱۳۸۲: ۲۰۸). به‌طور کلی در نتیجه تحولات فرهنگی و اجتماعی دوران صفوی، که سبب نفوذ فرهنگ غرب در جامعه ایران شد، پوشاک به‌عنوان یکی از نمودهای اصلی فرهنگ، دستخوش تغییرات چشم‌گیری شد و به‌سوی الگوهای اروپایی متمایل شد.

نتیجه‌گیری

در یک جامعه، عوامل مختلفی بر رواج یک شیوه خاص پوشش تأثیر دارد. در دوره‌هایی از زمان و بر اساس شرایط خاص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تغییراتی در شیوه پوشش افراد جامعه به وجود می‌آید، که سلیقه کلی جامعه را شکل می‌دهد. با توجه به آنچه از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عصر صفوی ارائه شد، می‌توان گفت، اقتصاد همواره خود را در سبک زندگی افراد و پوشاک نشان می‌دهد بنابراین دوره‌های پررونق و شکوفای اقتصادی سبب افزایش تنوع، ظرافت و ارزش مادی لباس‌ها می‌شود همچنین پیشرفت صنایع نساجی تأثیر مستقیم بر بافته‌ها و تن‌پوش جامعه دارد و به‌تبع آن لباس نیز از ظرافت، زیبایی و تنوع قابل‌توجهی برخوردار می‌شود. به نظر می‌رسد در هیچ دوره‌ای مردم، این‌گونه بافته‌های زیبا، رنگ‌های خالص و طرح‌های خوشایند را به تن نکرده‌اند و پیش‌از این زمان به‌جز قسمت یقه، پارچه لباس‌ها ساده بود. در زمان شاه‌عباس اول و جانشینانش، در نتیجه افزایش ارتباط با اروپا و مبادلات فرهنگی، به‌تدریج عناصری از پوشاک اروپایی مانند: کوتاه شدن لباس‌ها، کلاه‌های فرنگی و سر کج، چکمه‌های بلند و چرمی، شلوار کوتاه زیر زانو، وارد فرهنگ پوشش ایرانی شد و در میان عده‌ای طرفدارانی پیدا کرد. با این حال، همچنان نشانه‌هایی از تن‌پوش سنتی ایرانی در بسیاری از نگاره‌های این دوره دیده می‌شود. با توجه به مطالب ذکر شده، به نظر می‌رسد، در گذشته ایرانیان به حفظ پوشاک سنتی و استمرار سبک پوشش خود بسیار پای بند بوده‌اند و ایران عصر صفوی با تغییرات اجتماعی و سیاسی و مذهبی که در طی این نوشتار به آن‌ها اشاره شد، در مقابل عناصر اروپایی تن‌پوش انعطاف فراوانی نشان داد.

پی‌نوشت‌ها

1- chardin

منابع

- آژند، یعقوب، (۱۳۸۵)، *مکتب نگارگری اصفهان*، فرهنگستان هنر.
- پوپ، آرتور اپهام، (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران*، ج ۵، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- تقوی، عابد، سیده مونا، موسوی، بررسی حضور اجتماعی زنان و سیر تحول پوشش در نگاره‌های عصر صفوی، *زن و فرهنگ*، شماره ۱۸، (۱۳۹۲).
- حکیمیان، بدری، بررسی فرم و طرح جامه‌های دوره صفوی از طریق مکاتب نگارگری، *فرهنگ اصفهان*، شماره ۳۲، (۱۳۸۵).
- حقیقت، عبدالرفیع، (۱۳۶۹)، *تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی*، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان.
- خلیج امیر حسینی، مرتضی، (۱۳۹۱)، *رموز نهفته در نگارگری*، تهران، کتاب آبان.
- فریر، رانلد دبلیو (۱۳۸۴)، *برگزیده و شرح سفرنامه ساردن*، ترجمه حسین هژیریان، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- روح فر، زهره، زری‌بافی در دوره صفوی، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۷ و ۱۸، (۱۳۷۸).
- سیوری، راجر، (۱۳۷۲)، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- *سازگارهای نگارگری ایران*، (۱۳۸۴)، تهران، موزه هنرهای معاصر.
- شریعت پناهی، سید حسام‌الدین، (۱۳۷۴)، *اروپایی‌ها و لباس ایرانیان*، تهران، نشر قومس.
- غیبی، مهرآسا، (۱۳۸۵)، *هشت هزار سال پوشاک اقوام ایرانی*، تهران، هیرمند.
- فضل‌وزیری، شهره، لباس و پارچه صفویان به روایت نگارگری، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۵۹، (۱۳۹۰).
- کبیری، فرانک، اردشیر، بروجنی، بررسی خط نگاره‌های موجود بر روی پارچه‌های زری دوره صفویه، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۵۶، (۱۳۹۰).

- کریمیان، حسن، مژگان، جایز، تحولات ایران عصر صفوی و نمود آن در هنر نگارگری، *مطالعات هنر اسلامی*، شماره ۷، (۱۳۸۶).
- کنبای، شیلا، (۱۳۸۶)، *عصر طلایی هنر ایران*، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز.
- هدایتی، سوده، مهناز، شایسته فر، تأثیر سبک نقاشان عهد صفوی بر طراحی پارچه‌های این دوره، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۴۱، (۱۳۸۴).
- یار شاطر، احسان، (۱۳۸۲)، *پوشاک در ایران زمین*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- www.metmuseum.org
- www.asia.si.edu
- en.wikipedia.org
- www.fotografia.islamoriente.com
- www.britishMuseum.org
- www.vam.ac.uk
- www.sotheby.com
- www.mfa.org
- www.pinterest.com

منابع تصاویر

- تصویر ۱: مخمل با طراحی نگاره آب‌تنی شیرین، قرن ۱۰ (ه.ق)، موزه متروپلیتن، منبع ۱۹.
- تصویر ۲: آب‌تنی شیرین، هنرمند (?)، خمسه نظامی، قرن ۱۰ (ه.ق)، گالری هنری فریه، منبع ۲۰.
- تصویر ۳: بخشی از یک نگاره شاهنامه شاه‌طهماسبی، درباریان با کلاه قزلباش، قرن ۱۰ (ه.ق)، شاهکارهای نگارگری ایران. منبع ۱۰.
- تصویر ۴: تفرج در طبیعت، شاهزاده صفوی با تاج کلاه قزلباش، هنرمند (?)، منتخبات بوستان، سده دهم (ه. ق)، کاخ گلستان. شاهکارهای نگارگری ایران.
- تصویر ۵: عمامه یا دستار یک جوان دوره صفویه، محمدقاسم، قرن ۱۱ (ه.ق)، کاخ گلستان. شاهکارهای نگارگری ایران، منبع ۱۰.

- تصویر ۶: محمود و ایاز، محمدعلی، قرن ۱۱ (ه.ق)، موزه رضا عباسی. شاهکارهای نگارگری ایران، منبع ۱۰.
- تصویر ۷ و ۸: تصاویری از سفرنامه شاردن که چادر زنان را نشان می‌دهد. منبع ۲۱.
- تصویر ۹: راست، بخشی از دیوارنگاره کاخ چهل‌ستون که مقنعه زنان را می‌نمایاند، اوایل قرن ۱۱ (ه.ق). منبع ۲۲.
- تصویر ۱۰: چپ، زنی در حال شمردن با انگشتانش، معین مصور، قرن ۱۱ (ه.ق)، موزه بریتانیا، منبع ۲۳.
- تصویر ۱۱: مخمل با نقوش سبک رضا عباسی، اواخر سده ۱۱، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن، منبع ۲۴.
- تصویر ۱۲: بالاپوش مخمل با زمینه زربفت، استفاده از نقوش نگارگری در تن‌پوش، موزه سلطنتی استکهلم، منبع ۲۹.
- تصویر ۱۳: شاهزاده ملیس به قبای زربفت، محمد هروی، اواسط قرن ۱۰ (ه.ق)، گالری هنر فربه واشنگتن، منبع ۲۰.
- تصاویر ۱۴ و ۱۵: تصاویر یک آلبوم که نقوش زیبایی تن‌پوش را نشان می‌دهد، اوایل قرن ۱۷، موزه متروپلیتن نیویورک. منبع ۱۹.
- تصویر ۱۶: راست، جوان در لباس اروپایی، رضا عباسی، قرن ۱۱ (ه.ق). منبع ۲۵.
- تصویر ۱۷: چپ، جوان در لباس اروپایی، هنرمند (؟)، نیمه قرن ۱۱ (ه.ق)، موزه متروپلیتن، منبع ۱۹.
- تصویر ۱۸: راست، بخشی از نگاره بزم اسکندر، خمسه نظامی، قرن ۱۰ (ه.ق)، موزه متروپلیتن نیویورک. منبع ۱۹.
- تصویر ۱۹: چپ، تدبیر کنیزکان رودابه برای دیدار با زال، قرن ۱۰ (ه.ق)، منسوب به میر مصور، شاهکارهای نگارگری ایران. منبع ۱۰.
- تصویر ۲۰: تن‌پوش مردان، قرن ۱۱ (ه.ق)، سفرنامه شاردن، منبع ۲۱.

- تصویر ۲۱: بخشی از دیوارنگاره کاخ چهل‌ستون که مقنعه زنان را می‌نمایاند، اوایل قرن ۱۱ (ق.ه). منبع ۲۲.
- تصویر ۲۲: تن‌پوش زنان در تصاویر سفرنامه شاردن، منبع ۲۱.
- تصویر ۲۳: راست، مرد جوان، محمد یوسف، قرن ۱۱ (ق.ه)، موزه ارمیتاژ. منبع ۲۹.
- تصویر ۲۴: چپ، مرد جوان، برگی از یک آلبوم، هنرمند (?)، نیمه اول قرن ۱۱ (ق.ه)، موزه هنرهای زیبای بوستون. منبع ۲۷.
- تصویر ۲۵: جوان در لباس اروپایی، هنرمند (?)، قرن ۱۱ (ق.ه)، موزه بریتانیا، منبع ۲۳.
- تصویر ۲۶: جوان نشسته در لباس اروپایی با کلاه‌فرنگی، میر یوسف، قرن ۱۱ (ق.ه)، موزه بریتانیا، منبع ۲۳. تصویر ۲۷: شاه‌عباس و خان عالم، رضا عباسی، قرن ۱۱ (ق.ه)، کتابخانه عمومی سن‌پترزبورگ.